



نوزدهمین کنگره علوم خاک ایران

(مدیریت جامع نگر و هوشمند خاک و آب)

۲۵ تا ۲۷ شهریور ۱۴۰۴، دانشکده‌گان کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران

19th Iranian Soil Science Congress (Holistic and Smart soil and water management)
16-18 September, 2025, College of Agriculture & Natural Resources, University of Tehran

تحلیل اثرات تغییر الگوی کشت بر اقتصاد نواحی روستایی

(مورد مطالعه: نواحی روستایی شهرستان رودبار)

سحر یحیی زاده نوجو کامبری^{۱*}، سجاد اکبر پور گنجه^۲

۱- دانشجوی دکتری فیزیک خاک دانشگاه گیلان * SAHARYAHYAZADEH69@GMAIL.COM

۲- کارشناسی ارشد تغذیه دام دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت SAJJAD.AKBARPOUR69@GMAIL.COM.

چکیده:

امروزه همپای تحولات گوناگون اقتصادی، بخش کشاورزی همچنان اهمیت خود را در توسعه مناطق روستایی و حتی شهری تداوم بخشیده است. در دهه‌های اخیر نیز به دنبال محدودیت منابع آبی از یک طرف و افزایش روزافزون جمعیت و نیاز بیشتر به تأمین مواد غذایی از طرف دیگر و همچنین تغییر و تحولات اقتصادی باعث تغییراتی در نوع و شیوه کشت در بسیاری از نواحی کشاورزی دنیا از جمله ایران شده است. نواحی روستایی شهرستان رودبار از نظر اقتصادی وابستگی بسیار زیادی به پویش‌های کشاورزی دارد. به طوری که بیش از ۵۰ درصد اشتغال جمعیت روستایی مربوط به بخش کشاورزی است که در سال‌های اخیر دارای تغییر و تحولاتی به‌ویژه تغییر در الگوی کشت بوده است. هدف از پژوهش حاضر پرداختن به اثرات گوناگون تغییر الگوی کشت بر روی اقتصاد نواحی روستایی شهرستان رودبار است. بررسی حاضر بر مبنای هدف، کاربردی است و برحسب روش، توصیفی - تحلیلی است. به منظور انجام این پژوهش، از روش‌های کتابخانه‌ای - اسنادی و مطالعات میدانی (پرسشنامه) بهره گرفته شده است. جامعه آماری مورد مطالعه شامل ۸۰۴۸ بهره‌بردار بخش کشاورزی بوده است که با استفاده از فرمول کوکران اصلاح شده ۲۵۰ نفر به عنوان نمونه تعیین شد. همچنین جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌ها از آزمون آماری t تک نمونه در Spss و Excel انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد تغییر الگوی کشت بیشترین میزان اثرگذاری را به ترتیب بر شاخص‌های بهبود وضعیت درآمد و افزایش میزان پسانداز داشته است.

واژگان کلیدی: اثرات اقتصادی، تغییر الگوی کشت، شهرستان رودبار، نواحی روستایی

مقدمه

رشد شتابان جمعیت و محدودیت منابع موجود، بشر را به تلاش در جهت مدیریت صحیح منابع موجود و تخصیص بهینه منابع محدود به نیازهای نامحدود خود وادار کرده است، به طوری که بتواند به بهترین نحو ممکن پاسخگوی نیازها باشد. در همین رابطه نقش بخش کشاورزی در تأمین امنیت غذایی واقعی و غیرقابل انکار است. امروزه همپای تحولات گوناگون اقتصادی، بخش کشاورزی همچنان اهمیت خود را در توسعه مناطق روستایی و حتی شهری تداوم بخشیده است. کشاورزی می تواند یکی از اصلی ترین راه های برون رفت میلیون ها روستایی فقیر باشد که در تغییر و تحولات اقتصادی دهه های اخیر به عقب رانده شده اند (مولائی و مولایی پاره، ۱۳۹۳). به طور کلی، کشاورزی به عنوان یک پدیده اقتصادی از بدو شکل گیری همواره شرایط یکسانی نداشته و به طور مستمر یا متناوب دگرگون می شود (آمار و رضایی، ۱۳۸۶). در دهه های اخیر نیز به دنبال محدودیت منابع آبی از یک طرف و افزایش روزافزون جمعیت و نیاز بیشتر به تأمین مواد غذایی از طرف دیگر و همچنین تغییر و تحولات اقتصادی باعث تغییراتی در نوع و شیوه کشت در بسیاری از نواحی کشاورزی دنیا از جمله ایران شده است. شناخت قابلیت های اراضی و تعیین الگوی بهینه کشت در راستای تولید محصولاتی با ارزش اقتصادی بالا یک راهکار اساسی جهت افزایش بهره وری از آب، زمین و سایر عوامل تولید در نگرش کشاورزی حفاظتی محسوب می شود. در دهه های اخیر، روند بهره گیری از توان ها یا پتانسیل های محیطی با الگوی مدیریتی نادرست، هدررفت و تخریب منابع آب، کاهش ظرفیت محیطی و به تبع آن بحران های اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی شدیدی را به همراه داشته است (نوروزی دورگانی و همکاران، ۱۳۸۹). رشد تولید و افزایش درآمد حاصل از فعالیت ها در بخش کشاورزی به طور کلی از دو منبع ناشی می شود: گسترش سطح زیر کشت محصولات کشاورزی و افزایش میزان بهره وری تولید در زمین های موجود. به دلیل محدودیت در افزایش سطح زیر کشت، بهبود تولید و افزایش درآمد از زمین های موجود دارای اهمیت بیشتری است. این امکان را می توان در قالب یک بسته سیاسی شامل چهار قسمت بررسی کرد: الف - تغییرات نهادی در بخش کشاورزی. ب - افزایش در تراکم کشت زمین پ - تغییر الگوی کشت به سمت محصولات با بهره وری بالاتر. ت - بهبود در شیوه های کشت (ارجمندی و بشرآبادی، ۱۳۹۲).

در ایران نیز با وجود اینکه از نظر تولید برخی از محصولات کشاورزی از موقعیتی مناسب در جهان برخوردار است، ولی بی توجهی در تشخیص مزیت های نسبی و رقابتی باعث شده که از یک سو تخصیص منابع تولید در مناطق گوناگون کشور به شکل بهینه ای صورت نگیرد و از سوی دیگر در بازار خارجی نیز صادرکنندگان ایرانی در موقعیت ضعیف تری نسبت به کشورهای تولیدکننده دیگر قرار گیرند. در شرایط موجود ساختار زیربنایی کشت محصولات به دلیل نبود برنامه ریزی های مدون و حساب شده، تکامل نیافته و تولید محصولات کشاورزی با هزینه های بالا انجام می شود، بنابراین ضرورت شناسایی تغییر و تحولات الگوی کشت، برنامه ریزی و تعیین الگوی کشت بوم سازگار و ارائه راهنمای عملی مناسب برای تولید محصولات کشاورزی با توجه به مزیت های نسبی بوم شناختی و اقتصادی آنها در مناطق گوناگون کشور کاملاً محسوس است، به گونه ای که بتوان محصولات با مزیت های اقتصادی بالاتر را در هر منطقه تولید و امکان صدور آنها به مناطق با مزیت پایین تر را فراهم نمود و در مقابل نسبت به ورود محصولات با مزیت های اقتصادی پایین تر در هر منطقه اقدام کرد تا در مجموع بتوان هزینه های تولید مناطق را کاهش و میزان بهره وری آن را افزایش داد (محمدی و بوستانی، ۱۳۸۸، به نقل از هاتف و همکاران، ۱۳۹۵).

نواحی روستایی شهرستان رودبار از نظر اقتصادی وابستگی بسیار زیادی به پویش های کشاورزی دارد. به طوری که بیش از ۵۰ درصد کارگماری جمعیت روستایی مربوط به بخش کشاورزی است (معاونت برنامه ریزی استانداری، ۱۳۹۰). در همین راستا در سال های اخیر به دنبال تغییر و تحولات گوناگون از جمله: تغییرات آب و هوایی، کاهش منابع آبی، فرسایش خاک، توجه به مزیت نسبی و عرضه و تقاضای محصولات متناسب با نیازهای بازار موجب تغییر الگوی کشت در نواحی روستایی شهرستان رودبار شده است. به دنبال این تغییرات شکل جدیدی از روابط در

نظام اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی در نواحی روستایی شکل گرفته و همچنین پیامدها و اثراتی را به‌طور ویژه بر روی اقتصاد این نواحی از جمله: درآمد خانوار، میزان پس‌انداز، اشتغال و ... داشته است. اهمیت این موضوع موجب شده تا پژوهش کنونی ضمن بررسی و شناسایی تغییر و تحولات بخش کشاورزی به تحلیل اثرات اقتصادی که تغییر الگوی کشت بر روی زندگی ساکنان نواحی روستایی شهرستان رودبار داشته است بپردازد.

مبانی نظری

اقتصاد روستایی پایه‌های تولید یک کشور است و به همین منظور توجه به تنوع فعالیت در این بخش سبب تحکیم بنیان اقتصادی یک کشور می‌شود. لیکن اقتصاد کشاورزی صرفاً شامل کلیه فعالیت‌های اقتصادی وابسته به بخش کشاورزی در سطح ملی است در حالی که اقتصاد روستایی شامل کلیه فعالیت‌های کشاورزی و یا غیرکشاورزی در فضای روستا است و در واقع چون بیشتر روستاها از دیرگاه محل تولید محصولات کشاورزی بوده‌اند و همچنین وابستگی متقابل میان آن دو برقرار می‌باشد، این مفهوم برداشت شده است (Gillis et al, 1992). توسعه بخش کشاورزی از خطیرترین اهداف در نظام برنامه‌ریزی به شمار می‌رود، که در صورت رکود آن، نه تنها کشاورزی بلکه بخش صنعت و دیگر بخش‌ها نیز دچار ضعف اساسی شده و در نهایت رشد اقتصادی متوقف می‌گردد (جمعه پور، ۱۳۸۴). به همین دلیل است که کشورهای مختلف جهان با سطوح متفاوت توسعه اقتصادی و اجتماعی به حمایت از نظام‌های کشاورزی خود ادامه می‌دهند و بهترین راه اطمینان از وجود یک ارتباط مستحکم و دیرپا بین جمعیت و زمین را فعالیت‌های کشاورزی در نظر می‌گیرند (Durand, 2003).

کشاورزی به‌عنوان بخش تعیین‌کننده و پیش‌تاز در توسعه روستاها مطرح می‌شود و استدلال بر این است که با توسعه کشاورزی و بهبود وضعیت تولید و درآمد در این بخش، اهداف توسعه روستایی محقق می‌گردد (توردارو، ۱۳۶۶) از جمله اندیشمندانی که توسعه کشاورزی و روستایی را محور توسعه می‌دانند؛ می‌توان به مایکل تودارو اشاره کرد. تودارو باور دارد که: توسعه ملی منوط به توسعه روستایی و توسعه روستایی منوط به پیشرفت کشاورزی و تولید هماهنگ زارعین کوچک در بخش روستایی است (مهدوی و همکاران، ۱۳۹۲)؛ و (Meagar, 2004). بخش کشاورزی در اقتصاد ایران نقشی حیاتی را بر عهده دارد، زیرا حدود ۱۱ درصد تولید ناخالص ملی، ۲۳ درصد اشتغال و تأمین غذای بیش از ۸۰ درصد جامعه را پوشش می‌دهد (FITA, 2006). در این راستا می‌گر بر این نظر است که توانمندسازی و افزایش کارایی در بخش کشاورزی موجب می‌شود تا اشتغال‌زایی، امنیت غذایی، بهداشت، حفاظت از محیط‌زیست و مدیریت منابع طبیعی در مناطق روستایی محقق گردد (Forrester, 2005) به عقیده فورستر نیز تکیه بر کشاورزی و توانمندسازی در این بخش از عوامل اصلی کاهش فقر در مناطق روستایی محسوب می‌شود. همچنین بیان می‌دارد که با بهبود بهره‌وری و تولید در بخش کشاورزی افزون بر اینکه زمین‌داران، کارگران بیشتری استخدام می‌کنند، با افزایش محصول زمین‌های کشاورزی، عرضه آن بیشتر می‌شود و قیمت محصول در بازار کاهش می‌یابد که این موضوع افزون بر تأمین امنیت غذایی همه مردم به‌مرور سبب افزایش درآمد برای تولیدکنندگان روستایی می‌گردد (محمدعلی فیروزی و همکاران، ۱۳۹۴).

یکی از راه‌های توسعه روستایی نوسازی شیوه‌های کشت و بهره‌بردن از فناوری‌های نوین و هوش مصنوعی به‌طور عام است. اهمیت تغییرات در کشاورزی و نقش آن در توسعه به حدی است که اسملسر یکی از پارامترهای توسعه را تکامل کشاورزی می‌داند. در تکامل کشاورزی، تکامل از کشت معیشتی به تولید تجاری محصولات تجاری جریان می‌یابد که این جریان شامل: تخصص‌یابی در تولید محصولات، خرید محصولات غیر کشاورزی در بازار، رواج یافتن کار دستمزدی در کشاورزی است. البته وی باور دارد الزامات و شرایط تکامل کشاورزی در جوامع مختلف دارای اشکال متفاوتی است (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۳ به نقل از زاهدی، ۱۳۸۲). الگوی کشت به‌عنوان یکی از اجزای سیستم کشاورزی می‌تواند نقش مؤثری در دستیابی به اهداف توسعه‌ی کشاورزی و روستایی که همانا بهبود زندگی کشاورزان و رفاه حال آنان است، داشته باشد. الگوی کشت بیان‌کننده نوع یا ترکیب کشتی است که کشاورز جهت

بهره‌برداری بهینه از اراضی، منابع و فضای زیستی، آن را انتخاب و به کار می‌گیرد. انتخاب هر الگوی کشت، به دلیل چندبعدی بودن کشاورزی می‌تواند پیامدهای مهمی در زندگی کشاورز و جامعه روستایی داشته باشد (پورطاهری و همکاران: ۱۳۹۳). الگوهای کشت یا رهیافت‌های کشاورزی معیاری هستند که بر مبنای آن‌ها می‌توان اراضی زراعی تحت پوشش‌های گوناگون کشاورزی را مورداستفاده قرار داد. این الگوها تا حد زیادی بستگی به عوامل مؤثر اجتماعی، اقتصادی، اقلیمی و محیطی دارند که تعیین‌کننده احتمال گزینش رهیافت‌ها و کنش‌ها از طرف کشاورز و شدت به‌کارگیری نهاده‌هایی که همراه با آن مورداستفاده قرار می‌گیرند، می‌باشند. در صورت تأمین منابع آب و دسترسی به نهاده‌های نوین بهزراعی به‌ویژه بذرهای گونه‌های پرمحصول و کودهای زیستی و تجاری امکان جایگزینی گیاهان زراعی یا عملیات کشاورزی کم‌بازده با انواع سودآورترین آن‌ها و همچنین افزایش دادن شدت استفاده از اراضی موجود با کشت دو یا حتی سه گیاه زراعی در یک کشتزار در سال، برای کشاورز فراهم می‌گردد.

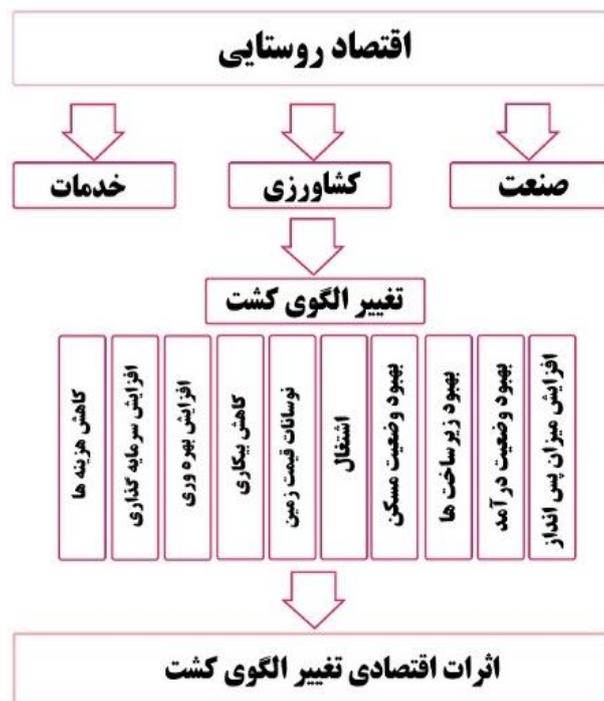
الگوی کشت عبارت است از: تعیین یک نظام کشاورزی با مزیت اقتصادی پایدار مبتنی بر سیاست‌های کلان کشور، دانش بومی کشاورزان و بهره‌گیری بهینه از پتانسیل‌های منطقه‌ای با رعایت اصول اکوفیزبولوژیک تولید محصولات کشاورزی در راستای حفظ محیط‌زیست (جاسبرسینگ، ۱۳۷۴). به‌طور کلی پیامدهای گوناگون تدوین و بکارگیری الگوی کشت را می‌توان به‌صورت زیر بیان کرد: افزایش و یا کاهش درآمد کشاورزان، افزایش یا کاهش میزان نیاز به نیروی کار و دستمزد آنان؛

۱. دگرگونی در قیمت زمین، تشویق یا پیشگیری و کاهش انجام فعالیت‌های جنبی کشاورزی نظیر دامداری؛
 ۲. تغییر در نظام‌های بهره‌برداری، میزان مشارکت و انسجام اجتماعی جامعه؛
 ۳. تغییر نگرش به کشاورزی (Mahesh, 1999).
 ۴. رشد برخی صنایع وابسته و رکورد برخی دیگر، تخریب برخی از زیرساخت‌ها (Schirmer et.al., 2008).
 ۵. ایجاد رقابت میان محصولات مختلف غذایی و تجاری؛
 ۶. تغییر در شیوه آبیاری و تغییر در سطح آگاهی کشاورزان و شکل‌گیری طبقات جدید اجتماعی نظیر کشاورزان چند پایگاهی (لهسایی زاده، ۱۳۸۷).
- در مورد اثرات تغییر الگوی کشت بر اقتصاد نواحی روستایی پژوهش‌های پرشماری انجام شده است که به تعدادی از آن‌ها در جدول زیر اشاره می‌شود:

جدول ۱- اثرات تغییر الگوی کشت بر اقتصاد نواحی روستایی در مقالات

محقق	سال	عنوان	نتایج
طباطبائی و شهیدی	۱۳۹۶	بررسی افزایش بهره‌وری اقتصادی آب با تغییر الگوی کشت در روستای مزرعه نو در اردکان - یزد	یافته‌های این بررسی حاکی از آن است که با توجه به نیاز آبی هر محصول نسبت به درآمد اقتصادی آن، کشت محصولات گندم، جو و یونجه حذف شد و آب موردنیاز این گیاهان به کشت جایگزین زعفران اختصاص داده شد.
محمدیان راد و محمدیان راد	۱۳۹۶	الگوی بهینه کشت و تقاضای آب با ملاحظات زیست‌محیطی در بخش کشاورزی دشت امامزاده عباس	یافته‌های این بررسی نشان داد که میان اهداف زیست‌محیطی که به‌عنوان اهداف سیاست‌گذاران نیز می‌توان آن‌ها را موردتوجه قرار داد و اهداف بهره‌برداران مبادله وجود دارد و لازم است با برنامه‌ریزی به‌سوی انتخاب ترکیبی از این سیاست‌ها حرکت نمود
سجاسی قیداری و بهروز	۱۳۹۶	تحلیل اثرات تغییر الگوی کشت ناشی از خشک‌سالی در مناطق روستایی به محصول زعفران در روستاهای دهستان زبرخان	یافته‌ها نشان داد که در کلیه شاخص‌های بررسی به‌جز شاخص افزایش سطح زیرکشت، تغییرات معناداری شکل‌گرفته است.

محقق	سال	عنوان	نتایج
جوزف و همکاران	۲۰۱۸	تحولات تغییر کشت: میزان، نیروهای محرک و اثرات آن بر معیشت در تانزانیا ارزیابی فضایی - زمانی	یافته ها نشان می‌دهد در هر دو روستا تغییر و تحولات کشت اثرات منفی بر روی درآمد خانوارهای روستایی داشته و باعث افزایش دوره‌های ناامنی غذایی شده است.
اسنابیل و همکاران	۲۰۱۷	تغییرات الگوی کشت مزارع کوچک در کمربند میومبو آنگولا با استفاده از داده‌های سری زمانی لندست	یافته ها نشان داد که تجزیه و تحلیل داده های سنجش از دور، اطلاعات مهمی را در زمینه وضعیت الگوی کشت، به‌ویژه در مناطقی که هیچ آمار و اطلاعات دقیقی درباره وضعیت عمومی زمین و فعالیت‌های گذشته آن موجود نیست، فراهم می‌کند.
ژون و همکاران	۲۰۱۷	تغییرات کشت برنج و ارتباط آن با عوامل جغرافیایی در استان هیلونگجیانگ، چین	یافته های این بررسی نشان داده است که سطح کل شالیزارهای استان هیلونگجیانگ به‌طور گسترده‌ای از سال ۱۹۹۳ تا سال ۲۰۱۱ افزایش یافته است و افزایش کشت برنج در پهنه هایی صورت گرفته است که اداره و مدیریت آن بر عهده دولت محلی بوده است. همچنین مهم‌ترین عوامل جغرافیایی که دارای بیشترین ارتباط با تغییرات کشت برنج بوده‌اند عبارت‌اند از: ویژگی‌های زمین ریخت‌شناختی (ژئومورفولوژیک) (مانند شیب و موقعیت ژئومورفیک)، آب‌وهوا (دمای انباشته) و متغیرهای هیدرولوژیکی (آب‌خیزداری).



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش

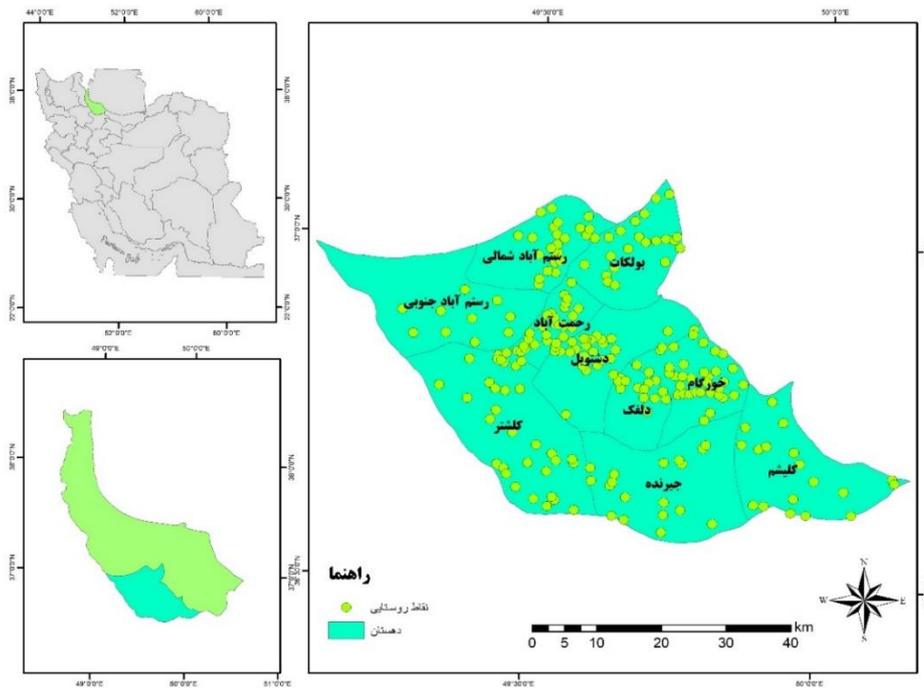
مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نوع کاربردی و به لحاظ روش تحقیق توصیفی- تحلیلی است، روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه ای و پیمایشی (تکمیل پرسش‌نامه) است. جامعه آماری را کلیه شاغلین بخش کشاورزی ساکن در نواحی روستایی شهرستان رودبار تشکیل می‌دهند که طبق سرشماری جهاد کشاورزی سال ۱۳۹۳ شمار بهره‌برداران در بخش کشاورزی ۸۰۴۸ نفر بوده است که از این تعداد با استفاده از فرمول کوکران اصلاح شده ۲۵۰ نفر کشاورز

به‌عنوان نمونه تعیین شدند. در گام نخست تغییرات الگوی کشت در دو بخش باغ و قلمستان و زراعت طی دو دوره ۱۳۸۲ و ۱۳۹۳ مورد بررسی قرار گرفت. در گام دوم جهت بررسی اثرات تغییر الگوی کشت بر روی اقتصاد روستاییان به تکمیل و توزیع پرسش‌نامه در میان کشاورزان پرداخته شد. همچنین برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌ها از آزمون آماری t تک نمونه در Spss و Excel استفاده شد.

الف) محدوده مورد مطالعه

شهرستان رودبار در جنوب استان گیلان و در یک ناحیه کوهستانی بین مدار ۳۶ درجه و ۳۳ دقیقه تا ۳۷ درجه و ۷ دقیقه و ۲۹ ثانیه عرض جغرافیایی شمالی و ۴۹ درجه و ۱۱ دقیقه و ۴۱ ثانیه تا ۵۰ درجه و ۵ دقیقه و ۶ ثانیه طول جغرافیایی شرقی واقع شده است. این شهرستان با مساحتی معادل ۲۵۷۴ کیلومترمربع دومین شهرستان استان گیلان به لحاظ وسعت است که ۱۷/۴ درصد از مساحت استان گیلان را در بر دارد و مرکز آن شهر رودبار است. شهرستان رودبار از طرف شمال به شهرستان رشت، سیاهکل و شفت، از طرف شرق به شهرستان سیاهکل، از طرف جنوب به استان قزوین و از طرف غرب به استان زنجان و شهرستان شفت محدود شده است (فرمانداری شهرستان رودبار، ۱۳۹۰). بخش عمده پویش‌های اقتصادی در نواحی روستایی این شهرستان مربوط به فعالیت‌های کشاورزی است. در بخش زراعت عمده محصولات تولیدی شامل برنج، گندم و جو بوده که سطح زیرکشت هر کدام از آن‌ها به ترتیب ۱۷۱۸، ۳۵۲۱، ۱۴۴۰ هکتار و در بخش باغات نیز محصول زیتون با سطح زیرکشت ۸۳۰۰ هکتار از جمله مهم‌ترین محصولات قلمداد می‌شود (سرشماری کشاورزی ۱۳۹۲، جهاد کشاورزی). همچنین سایر بخش‌های اقتصاد همچون صنعت و خدمات نیز سهم اندکی در پویش‌های اقتصادی نواحی روستایی این شهرستان دارا هستند (شماره ۲).



شکل ۲- نقشه موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

یافته‌های پژوهش
الف- یافته‌های توصیفی

داده‌های جمع‌آوری شده در دو سطح توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شده‌اند. ابتدا به توصیف آماری داده‌های حاصل از اجرای پرسش‌نامه پرداخته شده و سپس آزمون‌های گوناگون در راستای پرسش‌های مطرح شده ارائه شده است. ۲۵۰ پاسخگو در ۵ گروه سنی قرار گرفته‌اند که به ترتیب شامل ۲۰-۳۰ با ۱۸/۸ درصد، گروه سنی ۳۰-۴۰ با ۲۷/۶، گروه سنی ۴۰-۵۰ با ۳۸/۸، گروه سنی ۵۰-۶۰ با ۱۰ و گروه سنی بالای ۶۰ سال با ۴/۸ درصد هستند. همچنین پاسخ‌دهندگان از لحاظ جنسی دست‌بندی شدند که ۷۸/۴ درصد را مردان و ۲۱/۶ درصد را زنان تشکیل می‌دهند (جدول ۲ و ۳).

جدول ۲- فراوانی و درصد سن پاسخ‌دهندگان

گروه‌های سنی	فراوانی	درصد
۲۰-۳۰	۴۷	۱۸/۸
۳۰-۴۰	۶۹	۲۷/۶
۴۰-۵۰	۹۷	۳۸/۸
۵۰-۶۰	۲۵	۱۰
۶۰ به بالا	۱۲	۴/۸

منبع: یافته‌های پژوهش ۱۴۰۴

جدول ۳- فراوانی و درصد جنسیت پاسخ‌دهندگان

جنس	فراوانی	درصد
مرد	۱۹۶	۷۸/۴
زن	۵۴	۲۱/۶
جمع	۲۵۰	۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش ۱۴۰۴

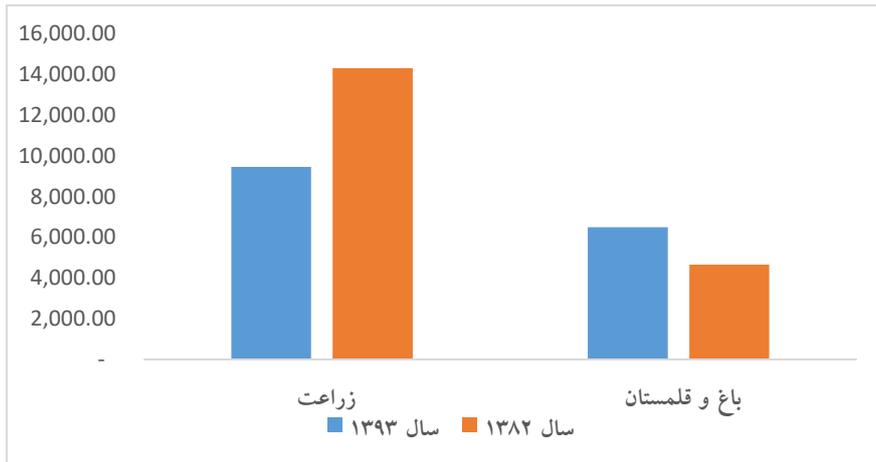
ب- یافته‌های استنباطی

یافته‌های حاصل از سرشماری جهاد کشاورزی در نواحی روستایی شهرستان رودبار بین سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۳ به‌طور کلی نشان‌دهنده کاهش نسبت سطح کاشت محصولات زراعی از یکسو و افزایش سطح کاشت باغ و قلمستان‌ها است (جدول ۴ و شکل ۳). با توجه به شرایط جغرافیایی منطقه مورد مطالعه و این موضوع که بیشتر پهنه‌های روستایی در موقعیت کوهستانی و کوهپایه‌ای واقع شده‌اند، گرایش کشاورزان از محصولات زراعی به باغ و قلمستان منطقی به نظر می‌رسد. همچنین عوامل دیگری نیز در این تغییر الگوی کشت مؤثر بوده‌اند از جمله: تناسب جغرافیایی منطقه با باغ و قلمستان‌ها، کمبود منابع آبی، بهره‌وری بیشتر و سودآوری، تجاری شدن کشاورزی، بهره‌گیری بیشتر از تخصص و دانش نوین و سرانجام مکانیزه شدن واحدهای کشاورزی را می‌توان یادآور شد.

جدول ۴- تغییرات کلی الگوی کشت بین سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۳ (واحد هکتار)

نوع کشت	سال ۱۳۸۲	سال ۱۳۹۳
زراعت	۱۴۳۱۳/۰۰	۹۴۷۲/۵۹
باغ و قلمستان	۴/۶۷۱	۶۴۹۸/۵۸

منبع: جهاد کشاورزی ۱۳۸۳ و ۱۳۹۳



شکل ۳- تغییرات کلی الگوی کشت بین سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۳

منبع: جهاد کشاورزی ۱۳۸۲ و ۱۳۹۳

در ادامه بررسی‌های صورت گرفته در مورد محصولات کشاورزی عمده و راهبردی شهرستان رودبار نشان داد در بخش محصولات زراعی سه محصول عمده شامل: گندم، جو و برنج که در سرشماری سال ۱۳۸۲ بیشترین میزان سطح زیر کشت را نسبت به سایر محصولات زراعی و باغ و قلمستان‌ها داشته‌اند و همچنین بیشترین تعداد بهره‌بردار در این بخش اشتغال داشته‌اند. تعداد بهره‌برداران در محصولات گندم، جو و برنج در فاصله دو دوره زمانی ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۳ کاهش یافته است. همچنین در بین محصولات باغی آمارها نشان‌دهنده افزایش تعداد بهره‌برداران و سطح زیر کشت آن‌ها است. محصولات راهبردی باغی شهرستان رودبار شامل: زیتون، گردو و فندق می‌باشد که در سرشماری کشاورزی ۱۳۹۳ رشد بیشتری نسبت به سایر محصولات باغی داشته‌اند. به منظور تحلیل اثرات تغییر الگوی کشت بر اقتصاد نواحی روستایی شهرستان رودبار ابتدا ۱۰ شاخص که بیانگر اثرات تغییر الگوی کشت بر اقتصاد نواحی روستایی هستند شناسایی شدند که این شاخص‌ها عبارت‌اند از: افزایش میزان پس‌انداز، بهبود وضعیت درآمد، زیرساخت‌ها، بهبود وضعیت مسکن، اشتغال، نوسانات قیمت زمین، کاهش بیکاری، افزایش بهره‌وری، افزایش سرمایه‌گذاری، کاهش هزینه‌ها (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۳) (Wicke, 2006; Schirmer et al, 2008; Mahesh, 1999). در همین راستا پس از تکمیل و توزیع پرسش‌نامه در بین نمونه آماری انتخاب شده، همچنین به منظور تحلیل داده‌های حاصل از پرسش‌نامه و تحلیل اثرات تغییر الگوی کشت بر اقتصاد نواحی روستایی از آزمون آماری t تک نمونه استفاده شده است. ۱۰ متغیر مستقل (اثرات تغییر الگوی کشت) با متغیر وابسته (اقتصاد نواحی روستایی) دارای رابطه معناداری در سطح $P=0/05$ است (جدول ۵).

جدول ۵- نتایج حاصل از آزمون t تک نمونه اثرات تغییر الگوی کشت بر اقتصاد نواحی روستایی

درجه آزادی	سطح معناداری	مقدار t	انحراف معیار	میانگین	اثرات اقتصادی تغییر الگوی کشت
۲۴۹	۰/۰۰۰	۱۸/۴۴۲	۱/۰۵۲۸۳	۴/۲۳	افزایش میزان پس انداز
۲۴۹	۰/۰۰۰	۳۲/۰۹۵	۰/۷۵۰۷۹	۴/۵۲	بهبود وضعیت درآمد
۲۴۹	۰/۰۰۰	۱۳/۳۲۶	۱/۲۶۷۲۰	۴/۰۷	بهبود زیرساخت‌ها
۲۴۹	۰/۰۰۰	۲۶/۶۲۱	۰/۸۷۹۰۳	۴/۴۸	بهبود وضعیت مسکن
۲۴۹	۰/۸۸۴	-۰/۱۴۶	۱/۷۳۰۸۲	۲/۹۸	اشتغال
۲۴۹	۰/۰۰۰	۱۱/۵۹۷	۱/۱۹۴۲۹	۳/۸۸	نوسانات قیمت زمین
۲۴۹	۰/۰۰۰	۸/۲۷۲	۱/۲۳۰۹۹	۳/۶۴	کاهش بیکاری
۲۴۹	۰/۰۰۰	۸/۵۴۷	۱/۳۲۴۵۲	۳/۷۲	افزایش بهره‌وری
۲۴۹	۰/۰۰۰	۴/۵۸۲	۱/۴۶۳۱۴	۳/۴۲	افزایش سرمایه‌گذاری
۲۴۹	۰/۰۹۸	۱/۶۶۱	۱/۵۹۹۳۸	۳/۱۷	کاهش هزینه‌ها

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳

به‌منظور تحلیل اثرات تغییر الگوی کشت بر اقتصاد نواحی روستایی از ده شاخص افزایش میزان پس‌انداز، بهبود وضعیت درآمد، زیرساخت‌ها، بهبود وضعیت مسکن، اشتغال، نوسانات قیمت زمین، کاهش بیکاری، افزایش بهره‌وری، افزایش سرمایه‌گذاری و سرانجام کاهش هزینه‌ها بهره گرفته شده است جهت تحلیل اثرات هرکدام از شاخص‌های مذکور دیدگاه کشاورزان روستایی از طریق طیف لیکرت که در این طیف عدد ۱ نشان‌دهنده کمترین تأثیر تغییر الگوی کشت بر شاخص موردنظر و به‌طورکلی اقتصاد روستایی است و عدد ۵ نشان‌دهنده بیشترین تأثیر تغییر الگوی کشت بر اقتصاد نواحی روستایی شهرستان رودبار است، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بعدازآنجام آزمون t تک نمونه میانگین نمرات به‌دست‌آمده در شاخص‌های اقتصادی بین ۲/۹۸ تا ۴/۵۲ دارای نوسان هستند که میانگین هرکدام از شاخص‌های اقتصادی به ترتیب عبارت است از: افزایش درآمد ۴/۵۲، بهبود وضعیت مسکن ۴/۴۸، افزایش میزان پس‌انداز ۴/۲۳، بهبود زیرساخت‌ها ۴/۰۷، نوسانات قیمت زمین ۳/۸۸، افزایش بهره‌وری ۳/۷۲، کاهش میزان بیکاری ۳/۶۴، افزایش میزان سرمایه‌گذاری در روستاها ۳/۴۲، کاهش میزان هزینه‌ها ۳/۱۷، ایجاد اشتغال در نواحی روستایی ۲/۹۸، میانگین شاخص‌های مورد استفاده نشان می‌دهد تغییر الگوی کشت دارای تأثیرات مثبت در اکثر شاخص‌ها همچون افزایش میزان پس‌انداز، بهبود وضعیت درآمد خانوار، بهبود وضعیت مسکن بوده است، این رهیافت نشان می‌دهد که تغییرات رخ داده در الگوی کشت به‌طورکلی و به‌طور ویژه در شاخص‌های یادشده مثبت برآورد شده است که این ناشی از کاهش میزان کشت سنتی و حرکت به سمت به‌کارگیری مکانیزاسیون در پوی‌های کشاورزی می‌باشد. از طرفی در برخی شاخص‌ها مانند ایجاد اشتغال، کاهش هزینه‌ها و کاهش میزان بیکاری تغییر الگوی کشت نتوانسته است تأثیرات مثبتی بر جای گذارد؛ که این امر به دلیل مکانیزه شدن فعالیت‌های کشاورزی است که در آن بخش زیادی از فعالیت‌ها توسط ماشین‌آلات کشاورزی صورت می‌گیرد و نیاز کمتری به نیروی انسانی داشته است و به دنبال آن نتوانسته در زمینه ایجاد اشتغال و کاهش میزان بیکاری در نواحی روستایی مؤثر واقع شود.

نتیجه‌گیری

کشاورزی به‌عنوان بخش دیرینه، ریشه دار و اصلی اقتصاد روستایی نقشی مهم و تعیین‌کننده در توسعه جامعه روستایی داشته و دارد. درواقع این فعالیت بیشترین نقش را در بافت اقتصادی نواحی روستایی دارد. اگرچه کشاورزی در جوامع روستایی به‌عنوان تنها فعالیت اقتصادی مطرح نیست، با این‌وجود آمارهای منتشرشده حاکی از آن است که بیش از نیمی از اشتغال روستاییان مربوط به بخش کشاورزی است. از طرفی نقش کشاورزی در استقرار انسان،

نظام تولید اقتصادی، امنیت غذایی جوامع و بسیاری از جنبه‌های متعارف انسان ساکن در روستا بسیار چشمگیر است. از این رو کشاورزی مانند دیگر ابعاد فعالیت‌های انسانی متناسب با تغییر و تحولات محیط پیرامون و تحت تأثیر عوامل مختلف همواره دستخوش تغییر و تحولاتی بوده است، از جمله این تحولات می‌توان به تغییر الگوی کشت اشاره کرد. عوامل گوناگونی در تغییر الگوی کشت مؤثرند از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به: تغییر شرایط اقلیمی، کمبود منابع آب، تغییرات کاربری اراضی کشاورزی، تغییر کشاورزی معیشتی به تجاری محصولات و نیز مکانیزاسیون کشاورزی اشاره کرد. تغییر الگوی کشت اثرات پرشماری در ابعاد اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی به‌طور عام و بعد اقتصادی به‌طور ویژه در پی دارد. مقاله حاضر به بررسی اثرات تغییر الگوی کشت بر اقتصاد نواحی روستایی شهرستان رودبار با استفاده از ۱۰ شاخص شامل: افزایش میزان پس‌انداز، بهبود وضعیت درآمد، زیرساخت‌ها، بهبود وضعیت مسکن، اشتغال، نوسانات قیمت زمین، کاهش بیکاری، افزایش بهره‌وری، افزایش سرمایه‌گذاری و سرانجام کاهش هزینه‌ها پرداخته است. یافته‌های بدست آمده از پژوهش، گویای این امر است که بین دو دوره سرشماری جهاد کشاورزی سال ۱۳۸۳ و ۱۳۹۳ نسبت سطح زیرکشت و تعداد بهره‌برداران در کشتزارها کاهش یافته و سطح کاشت و تعداد بهره‌برداران در بخش باغ و قلمستان‌ها افزایش داشته است. بدین ترتیب در نواحی روستایی شهرستان رودبار تغییر الگوی کشت از زراعت به باغداری رخ داده است. این تغییرات را می‌توان در راستای همسویی کشاورزی با شرایط جدید به وجود آمده (تغییرات اقلیمی، موردتوجه قرار گرفتن کشت تجاری، کمبود منابع آبی، بهره‌وری بیشتر در بخش باغی، تناسب باغداری با شرایط طبیعی منطقه) و نوعی واکنش منطقی به آن دانست. تحلیل یافته‌های حاصل از آزمون t تک نمونه در تحلیل اثرات تغییر الگوی کشت بر روی اقتصاد نواحی روستایی با توجه به شاخص‌های مورد استفاده حاکی از آن است که بیشترین میزان تأثیرگذاری را بر شاخص بهبود وضعیت درآمد با میانگین ۴/۵۲ داشته است و بعد از آن شاخص‌های افزایش میزان پس‌انداز با میانگین ۴/۲۳ و شاخص بهبود وضعیت مسکن با میانگین ۴/۴۸ به ترتیب بیشترین میزان اثرپذیری را از تغییر الگوی کشت داشته‌اند. از طرفی شاخص‌های اشتغال، کاهش بیکاری، کاهش هزینه‌ها و افزایش سرمایه‌گذاری کمترین اثرپذیری را از تغییر الگوی کشت داشته‌اند که نشان‌دهنده این است که کشاورزی در نواحی روستایی این شهرستان به سمت مکانیزاسیون و کاهش به‌کارگیری نیروی انسانی در این بخش است از طرفی به دلیل به‌کارگیری ماشین‌آلات کشاورزی و هزینه‌دار بودن این‌گونه ماشین‌آلات باعث شده است تا تغییر الگوی کشت در زمینه کاهش هزینه‌ها اثرگذاری چندانی نداشته باشد، همچنین باوجود افزایش میزان بهره‌وری در فعالیت‌های کشاورزی تغییر الگوی کشت نتوانسته است در زمینه افزایش میزان سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های کشاورزی اثرپذیری زیادی داشته باشد.

فهرست منابع

- ارجمندی، ا، مهرابی بشرآبادی، ح (۱۳۹۲). بررسی تغییرات الگوی کشت محصولات زراعی در ایران طی دوره ۶۲-۱۳۶۱ تا ۸۸-۱۳۸۷. اقتصاد کشاورزی.
- آمار، ت، رضایی، پ (۱۳۸۶). بررسی عوامل مؤثر در تحولات نظام زراعی دهستان رحمت‌آباد در دهه ۱۳۷۰-۱۳۸۰، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۱، صص ۱۱۳-۱۰۱.
- پورطاهری، م، رکن‌الدین افتخاری، ع، سوادی مالیده، ع (۱۳۹۳). پیامدهای اجتماعی و اقتصادی تغییر الگوی کشت و نقش آن در توسعه روستایی مطالعه موردی: تغییر الگوی کشت برنج به مرکبات در دهستان بالاتجن استان مازندران، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۳۵، صفحات ۲۱۷-۲۳۲.
- تودارو، م (۱۳۶۶). توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، جلد اول و دوم، چاپ سوم، انتشارات سازمان برنامه‌بودجه، تهران.
- جمعه پور، م (۱۳۸۴). مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی دیدگاه‌ها و روش‌ها، سمت، چاپ اول، تهران.
- جهاد کشاورزی شهرستان رودبار، سرشماری سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۹۳.

- جاسبرسینگ-ا.ا.د (۱۳۷۴). جغرافیای کشاورزی، ترجمه: سیاوش دهقانیان، عوض کوچکی و کلاهی اهری، انتشارات دانشگاه فردوسی، چاپ اول، ۶۵۸ ص.
- زاهدی، م، (۱۳۸۲)، توسعه و نابرابری، انتشارات مازیار.
- سجاسی قیداری، ح، بهروز، ز (۱۳۹۶). تحلیل اثرات تغییر الگوی کشت ناشی از خشک‌سالی در مناطق روستایی به محصول زعفران در روستاهای دهستان زیرخان، فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی، شماره ۱، ص ۳۹-۵۸.
- صالحی ص، جمشید، د (۱۳۸۹) بررسی ابعاد توانمندسازی روان‌شناختی با خلاقیت کارکنان با استفاده از روش رگرسیون چند متغیره (مورد مطالعه: شرکت‌های خدمات فنی مهندسی تهران)، فصلنامه مطالعات کمی در مدیریت. تابستان ۱۳۸۹ دوره ۱ شماره ۱.
- طباطبائی، م، شهیدی، ع (۱۳۹۶). بررسی افزایش بهره‌وری اقتصادی آب با تغییر الگوی کشت در روستای مزرعه نو در اردکان یزد، نشریه پژوهش آب در کشاورزی، شماره ۱، صص ۱۹۹ - ۱۲۸.
- لهسایی زاده، ع. ۱۳۸۷. جامعه‌شناسی کشاورزی ایران، انتشارات سمت.
- محمدیان راد، ا، محمدیان راد، ع (۱۳۹۶). الگوی بهینه کشت و تقاضای آب با ملاحظات زیست‌محیطی در بخش کشاورزی دشت امامزاده عباس، فصلنامه پژوهش در علوم، مهندسی و فناوری، دوره ۳، شماره ۱، صفحات ۳۱ - ۳۶.
- مهدوی، م، شمس‌الدینی، ع (۱۳۹۲). تحلیلی بر نقش توانمندی‌های محیطی در توسعه پایدار نواحی روستایی (مورد مطالعه: بخش مرکزی شهرستان رستم). فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال دهم، شماره ۳۹.
- فیروزی، م، امان پور، س، حصیری، آ. (۱۳۹۴). بررسی نقش کشاورزی در توسعه پایدار روستایی (نمونه موردی: بخش بردخون؛ شهرستان دیر). دولتی - وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه شهید چمران اهواز - دانشکده علوم زمین مولائی هاشجین، ن، مولایی پاره، س. (۱۳۹۳). تحلیل مکانی توسعه کشاورزی در شهرستان‌های استان خوزستان. اقتصاد فضا و توسعه روستایی ۳۸-۱۹.
- محمدی، ح، بوستانی، ف. (۱۳۸۸). مقایسه مزیت نسبی محصولات کشاورزی در استان فارس و شهرستان مرودشت، مجله تحقیقات اقتصاد کشاورزی. جلد ۱ شماره ۲. صص ۶۱ تا ۷۵.
- معاونت برنامه‌ریزی استانداری، استان گیلان، ۱۳۹۰.
- نوروزی‌آورگانی، ا، نوری، ه، کیانی‌سلمی، ص (۱۳۸۹). ارزیابی توان‌های محیطی برای توسعه کشاورزی؛ (مطالعه موردی: ناحیه چغاخور، شهرستان بروجن). پژوهش‌های روستایی ۹۱.
- هاتف، ح، سروری، ع، دانشور کاخکی، م (۱۳۹۵). تعیین الگوی بهینه کشت محصولات عمده زراعی استان خراسان رضوی بر اساس مزیت نسبی تولید، مجله تحقیقات اقتصاد کشاورزی ۱۹۲-۱۶۷.
- Federation of international trade association (FITA), (2006), Iran. Available on: <http://www.fita.org/countries/Iran.html>.
- Forrester. B. (2005), All Teams Are Created Equal: How Employee Empowerment really- works, Sage, New Berry Park.
- Gillis, M., Perkins, D. H., Roemer, M., & Snodgrass, D. R. (1992). Economics of development (No. Ed. 3). WW Norton & Company, Inc.
- Kilawe, C. J., Mertz, O., Birch-Thomsen, T., & Maliondo, S. M. (2018). Transformation of shifting cultivation: Extent, driving forces and impacts on livelihoods in Tanzania. Applied Geography, 94, 84-94.
- LU, Z. J., Qian, S. O. N. G., LIU, K. B., WU, W. B., LIU, Y. X., Rui, X. I. N., & ZHANG, D. M. (2017). Rice cultivation changes and its relationships with geographical factors in Heilongjiang Province, China. Journal of Integrative Agriculture, 16(10), 2274-2282.
- Mahesh, R. 1999. Causes and consequences of change in cropping pattern", center for development studies Thir uvananthapuram

Van Huylenbroeck, G., & Durand, G. (2003). Multifunctional agriculture. A new paradigm for European agriculture and rural development.

**Analysis of the effects of changing cropping patterns on the economy of rural areas
(Case study: rural areas of Rudbar County)**

Sahar Yahyizadeh Nojokambari
Sajjad Akbarpour Ganje

Abstract

Today, despite various economic developments, the agricultural sector has continued to play an important role in the development of rural and even urban areas. In recent decades, due to the limited water resources on the one hand, the increasing population and the need for food on the other hand, as well as economic changes and developments, changes have led to changes in the type and method of cultivation in many agricultural areas of the world, including Iran. Rural areas of Rudbar County are economically very dependent on agricultural activities. So that more than 50 percent of the employment of the rural population is related to the agricultural sector, which has undergone changes and developments in recent years, especially changes in the cultivation pattern. The purpose of the present study is to address the various effects of changing the cultivation pattern on the economy of rural areas of Rudbar County. The present study is applied in terms of purpose and is descriptive-analytical in terms of method. In order to conduct this research, library-documentary methods and field studies (questionnaires) have been used. The statistical population of the study included 8048 agricultural operators, of which 250 people were selected as a sample using the modified Cochran formula. Also, a one-sample t-test was performed in Spss and Excel to analyze the information and data. The results of the study show that changing the cultivation pattern had the greatest impact on the indicators of improving income and increasing savings, respectively.

Keywords: Economic Effects, Changing the Cultivation Pattern, Rudbar County, Rural Areas